



کاربردی نمودن برنامه‌درسی علوم انسانی در دانشگاه بر اساس رویکرد مدیریت دانش

فرانک امیدیان^۱

استادیار ، گروه آموزشی علوم تربیتی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول ،
دزفول ، ایران

علوم انسانی از شالوده‌های اساسی پیشرفت و توسعه در جوامع امروز است. حاکمیت پارادایم غیر کاربردیی بودن علوم انسانی در ایران تأثیرات زیادی را بر شکل‌گیری برنامه‌درسی علوم انسانی در دانشگاه داشته‌است. برنامه‌درسی مبتنی بر رویکرد مدرنیسم و رئالیسم دیگر پاسخ‌گوی نیازهای دانشی عصر حاضر نیست. اگر چه در طی چند دهه‌ی اخیر غیر کاربردیی بودن علوم انسانی دغدغه‌ی بسیاری از صاحب‌نظران بوده‌است و در این راستا تلاش‌هایی در جهت استفاده از مطالعات میان‌رشته‌ای در کاربردیی شدن علوم انسانی صورت گرفته‌است، اما نتایج تحقیقات حاکی از آن است که مطالعات بین رشته‌ای در صورتی که به کاربردیی شدن علوم انسانی منجر شود مفید است. بنابراین در این نوشتار رویکرد مدیریت دانش به‌عنوان یک راهبرد جهت کاربردیی نمودن برنامه‌درسی علوم انسانی در دانشگاه مطرح می‌شود. در این راستا برنامه‌درسی روش‌ها و فنون تدریس و نظارت و راهنمایی آموزشی به صورت کاربردیی بر اساس روش مدیریت دانش ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌درسی، علوم انسانی، مدیریت دانش.

پروژه‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱omidian.2013@gmail.com

مقدمه

علوم انسانی یکی از مهم‌ترین شالوده‌های اساسی توسعه و پیشرفت در جوامع است، زیرا بر اساس نظر بسیاری از صاحب‌نظران علوم انسانی نقش مهمی را در ایجاد مبانی فکری و چارچوب‌های توسعه یافتگی برنامه‌دستی دیگر علوم ایفا می‌کند. به گونه‌ای که زیربنای فلسفی هر علمی مبتنی بر علوم انسانی است، اما نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که در ایران وضعیت تولید علم در علوم انسانی رضایت‌بخش نیست. یکی از دلایل عمده و اصلی، پنداشت و باور مسئولان و مردم نسبت به تئوری و نظری بودن علوم انسانی است. اعتقاد بر این است که علوم انسانی همانند دیگر علوم مهندسی، فنی، پزشکی و... کاربردی نیست. حاکمیت پارادایم غیر کاربردی بودن علوم انسانی تأثیرات زیادی را بر شکل‌گیری برنامه‌دستی علوم انسانی داشته‌است. یکی از ابزارهای مهم رشد و توسعه علوم انسانی، استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای در طراحی و تدوین کتب درسی دانشگاهی است. البته به زعم لینچ (۲۰۰۶) مطالعات میان‌رشته‌ای صرفاً به معنای احاطه بر چند رشته یا انجام مشترک کار به وسیله افرادی با تخصص‌های مختلف نیست؛ بلکه در آن از آموزه‌های رشته‌های مختلف برای بسط مدل‌های مفهومی، توضیح و مفهومی کردن نتایج، به‌کارگیری روش‌های یکدیگر و ایده گرفتن از دانش زمینه‌ای رشته‌های مختلف استفاده می‌شود. این امر تفکر انتقادی و خلاقیت را افزایش می‌دهد و دانش ورای رشته‌ها را با هم ترکیب می‌کند. (قاسمی و مبییدی، ۱۳۹۴) اما نتایج پژوهش قاسمی و مبییدی ۱۳۹۴ حاکی از آن است که کارآمدی ابزار مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی از یک‌سو مستلزم شرایط و امکاناتی از جمله تأمین فضای بازفکری در دانشگاه‌ها و استقلال جامعه علمی است و از سوی دیگر باید به کاربردی بودن علوم انسانی و رشد و توسعه علوم انسانی منجر شود. بنابراین در این نوشتار رویکرد مدیریت دانش به‌عنوان ابزار مهمی در جهت کاربردی کردن علوم انسانی با توجه به کاربست رویکرد مطالعات بین‌رشته‌ای بررسی می‌شود. ابتدا مبانی نظری این رویکرد به صورت خلاصه ذکر می‌شود.

مبانی نظری مدیریت دانش

به عقیده نوناکا و تاکه‌اچی (۱۹۹۵) بسته به این که دانش، از لحاظ فیزیکی در کجا قرار داشته باشد، به دو نوع تصریحی و ضمنی تقسیم می‌شود. این دو بعد دانش، اگرچه از نظر ماهیت و ویژگی‌ها با یکدیگر متفاوتند، اما آن‌چه مهم است توجه به هر دو بعد دانش در طراحی و اعمال مدیریت دانش در سازمان است. دانش ضمنی، دانشی است که ارائه آن با زبان رسمی دشوار و نوعی دانش شخصی است که در تجربه افراد نهفته است و شامل انواع ملموس و نامحسوس از قبیل مهارت، تجربه، نظام‌ارزشی است و غالباً به وسیله تمرین حاصل می‌شود. دانش ضمنی در بسیاری از سازمان‌ها هرگز ثبت و ذخیره نمی‌شود. دانش تصریحی، دانشی است که می‌تواند به صورت رسمی بیان شود و شامل جملات دستوری، فرمول‌های ریاضی، شرح جزئیات و دست‌نامه‌ها و در میان افراد به آسانی قابل انتقال است. دانش صریح، می‌تواند در اشکال بایگانی‌های تجاری، مجله یا مقالات مجلات، کتاب‌ها، صفحات وب، بانک‌های اطلاعاتی، اینترنت، ایمیل‌ها، ارائه گرافیکی یا منابع دیداری- شنیداری تدوین شده باشد (رومی، ۱۳۹۳). نوناکو و کونو (۱۹۹۹) مدیریت دانش را ابزاری مهم برای کشف دانش ساختاریافته و

ضمنی افراد و تبدیل و توسعه آن از طریق مکانیزم‌های متعددی نظیر تعامل، گفت‌وگو و تجربه را مؤثر می‌دانند. دانش ساختارنیافته عمدتاً در اذهان افراد وجود دارد و به صورت دانش ضمنی ناشی از تجارب کارکنان و مدیران باسابقه از آن یاد می‌شود. که از طریق فرایند مدیریت دانش نیاز به کشف و شناسایی و تبدیل آن به دانش صریح و آشکار دارد. فرگوسن و ویکرت (۲۰۰۵) با توسعه الگوی مفهومی ناکوتا عینی شدن دانش در سازمان را مستلزم به‌کارگیری سیستم‌های مدیریت مدارک الکترونیکی، فناوری کاوش، سیستم‌های هوش تجاری و دانش مدار می‌دانند. بر اساس نظریه ساختارگرایی تیمبرل و همکاران (۲۰۰۵) شناسایی، کشف، تولید و به‌کارگیری دانش ماهیتی اجتماعی دارد و مبتنی بر روش کیفی، گفت‌وگو و مصاحبه است. بر اساس الگوی مفهومی پروبست و همکاران (۲۰۰۱) مدیریت دانش فرایندی است که شامل شناسایی از نوع دانش‌های جاری در سازمان از طریق شناسایی مهارت‌های کارکنان، کتابچه‌های راهنمای متخصصان، خاطرات، اعتقادات سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی، چک لیستی از موفقیت‌ها و اشتباهات پروژه‌های سازمانی و تجارب و سیاست‌های شرکت (نظام‌نامه، مدارک سیستم، نقشه فرایند، برنامه‌ها و استانداردها) قابل بازیافت و شناسایی هستند. جلیناس و همکاران (۲۰۰۴) مدیریت دانش را فرایند احصاء، ذخیره‌سازی، بازیابی، و توزیع دانش افراد سازمان برای استفاده دیگران به منظور ارتقاء کیفیت و یا کارایی تصمیم‌گیری‌ها ذکر کرده‌اند. مدیریت دانش ابزارهای متعددی همچون مستندسازی و مدیریت اسناد الکترونیکی دارد. در واقع مستندسازی ابزاری است که امکان استفاده و به‌کارگیری تجربیات فردی و گروهی و ضبط فرایندهای سازمانی برای توسعه سازمانی فراهم می‌سازد. مستندسازی شامل فرایند شناسایی، گردآوری، طبقه‌بندی، ارزش‌گذاری، پالایش، فهرست‌نویسی و در دسترس قرار دادن سوابق یا اسناد موجود از قبیل فیلم، عکس، مکاتبات، فایل‌های کامپیوتری و... است که حاصل تجارب یادگیری افراد هستند. الگوهای متعدد مدیریت الکترونیکی اسناد را مبتنی بر فرایند چند مرحله‌ای همچون: تحلیل فعالیت‌های کاری، تعیین نیازهای سامانه نگهداری اسناد، ارزیابی سیستم موجود و تعیین خط‌مشی و طراحی و اجرا و ارزیابی می‌دانند. در الگوی مفهومی مدیریت دانش مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات اعتقاد بر آن است که مدیریت دانش برای موفقیت به فناوری‌ها و نرم‌افزارهای متعدد و متنوعی بر اساس الزامات سازمان نیاز دارد. ساخت نرم‌افزار برای ثبت و ضبط دانش سازمانی باید متناسب با موقعیت و عملکرد سازمان باشد و در هر زمانی قابل طراحی نیست. ابتدا باید شرایط، موقعیت و عملکرد آن شناسایی شود (مهرعلیزاده و عبدی ۱۳۸۸). از منظر کنسرسیون ویس (۲۰۰۲) ابزارهای مدیریت دانش شامل همکاری، نگاشت دانش، بازیابی اطلاعات، سیستم‌های آموزش روی خط، مدیریت اسناد و حافظه سازمانی است. البته نقطه شروع پیاده‌سازی مدیریت دانش در سازمان خرید تجهیزات و نرم‌افزارها نیست؛ بلکه شناسایی از جمله دانش ساختار نیافته در سازمان است (نوعی‌پور، ۱۳۸۳؛ باقری و سلاجقه ۱۳۸۹). بر اساس الگوی مفهومی مهرعلیزاده ۱۳۸۷ هر سازمان آموزشی دارای سه رسالت خطیر

¹Probst, Raub&Romhardt.

آموزشی، پژوهشی و خدماتی است. گروه‌های کارکنان متشکل از مدیران عالی، میانی و عملیاتی در این سه حوزه نقش‌آفرینی می‌کنند. به منظور مدیریت دانش از جمله شناسایی انواع دانش، نیاز است این گروه‌ها به صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرند. فرایند شناخت شامل تدوین و سنجش شاخص‌های سنجش فعالیت‌های گروه‌های کاری همچون نوآوری‌های علمی، اختراعات و اکتشافات، طرح‌های پژوهشی، کیفیت سوادآموزی، کارایی آموزشی و... از طریق مصاحبه، مشاهده و اسناد و مدارک است. بر اساس رویکرد مدیریت دانش الگویی به منظور کاربردی کردن برنامه درسی علوم انسانی ارائه شده است (شکل ۱). به گونه‌ای که در هر کتاب حوزه علوم انسانی ابتدا مبانی نظری تبیین شود. سپس نمونه‌ها و مثال‌ها مربوط به نظریه‌ها در کتاب ذکر شود. تکالیف کاربردی برای دانشجویان در نظر گرفته شود و فعالیت‌هایی در خصوص نقد و ارزیابی برنامه درسی در نظر گرفته شود. در مرحله آخر، به منظور مستندسازی فعالیت‌های دانشجویان از پوشه کار الکترونیکی و طراحی سامانه الکترونیکی دانشجویان استفاده شود. در این راستا راهکارهایی به منظور کاربردی شدن دو درس روش‌ها و فنون تدریس، نظارت و راهنمایی آموزشی بر اساس رویکرد مدیریت دانش ارائه شده است.

روش‌ها و فنون تدریس

روش‌ها و فنون تدریس یکی از دروس تخصصی، کاربردی و جذاب رشته علوم تربیتی به شمار می‌آید. بسیاری از منابع مرتبط با روش‌ها و فنون تدریس، صرفاً به تبیین مبانی نظری یادگیری، شیوه‌های تدریس و عناصر و مؤلفه‌های فرایند تدریس پرداخته‌اند. اگر چه این منابع شیوه‌های تدریس را معرفی کرده‌اند.

شکل ۱: الگوی طراحی کتب درسی علوم انسانی بر اساس رویکرد مدیریت دانش



اما به کشف شیوه‌های نوین تدریس از سوی دانشجویان به‌ویژه دانشجو معلمان و ارائه مثال‌های کاربردی، توجهی نشده‌است. در کتاب‌های روش تدریس، متأسفانه شیوه‌های تدریس به یک سبک و سیاق نگارش شده‌اند. این نوع جبر یادگیری علاوه بر این‌که به خستگی و ملامت می‌انجامد، از رشد و شکوفایی استعداد‌های معلمان نیز جلوگیری می‌کند. فراموش نکنیم که معلمان مدیران عملیاتی در صحنه آموزش هستند و به عبارتی نقش‌آفرینان اصلی فرایند یاددهی - یادگیری هستند. دانشجویان به‌ویژه دانشجو معلمان با توجه به متغیرهای اقتضایی کلاس و محیط یادگیری راهبردهای متفاوتی را در تدریس استفاده می‌کنند. معلمان تنها افرادی هستند که به متغیرهای مؤثر بر یادگیری دانش‌آموزان در کلاس درس بیش‌ترین آگاهی را دارند. در این راستا بازنگری منابع مرتبط با روش‌ها و فنون تدریس ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. البته این امر نه به معنای حذف مبانی نظری شیوه‌های یادگیری است، که بر عکس ادغام مبانی فلسفی، نظری و عملی شیوه‌های تدریس است. طراحی کتاب روش تدریس بر اساس رویکرد مدیریت دانش زمینه‌های بروز خلاقیت و رشد تفکر انتقادی معلمان را از طریق ارائه تکالیف متنوع و متعدد کاربردی فراهم آورد. به منظور ایجاد انتظام و انسجام آموخته‌های دانشجویان و افزایش انگیزش آن‌ها در یادگیری تکالیف یادگیری نیز به صورت عملی و کاربردی در نظر گرفته شود. به این معنا که سناریو تدریس بنویسند، نقد کنند، ارائه دهند و نقشه مفهومی با استفاده از نرم افزارهایی همچون *x mind* برای شیوه‌های تدریس مربوط به هر بخش کتاب و یا کل کتاب فراهم کنند. شیوه ارزشیابی اساتید نیز از کمی به کیفی و به عبارتی به ارزشیابی توصیفی سوق پیدا کند. به گونه‌ای که دانشجویان از فعالیت‌های تدریس خود پوشه کار الکترونیکی تهیه کنند. به‌علاوه با همکاری دانشجویان سامانه الکترونیکی شیوه‌های تدریس نوین را طراحی نمود. این همان ایجاد و توسعه فرایند مدیریت دانش در کلاس درس است که از دانشگاه به آموزش و پرورش تسری می‌یابد. با استفاده از مدیریت دانش، تجارب و دانش نهان کارکنان و مدیران مستندسازی می‌شود. دانشی که با رفتن کارکنان از سازمان از بین می‌رود و قابلیت بازیافت آن از سازمان سخت و تا حدود زیادی غیر ممکن است. بنابراین با وجود پتانسیل و ظرفیت دانشجویان به‌ویژه دانشجو معلمان بعنوان سرمایه‌های انسانی ارزشمند، کاربرد مدیریت دانش در تدوین و طراحی کتاب روش‌ها و فنون تدریس بسیار ضروری است.

نظارت و راهنمایی آموزشی

همچنین کتب مربوط به درس نظارت و راهنمایی آموزشی نیز بیش‌تر به صورت نظری و تئوری می‌باشند قدیمی‌ترین کتابی که در حوزه درس نظارت و راهنمایی آموزشی وجود دارد، کتاب نظارت و راهنمایی آموزشی نگارش دکتر مصطفی نیکنمی در سال ۱۳۷۷ است. این کتاب در مقطع کارشناسی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی حتی در دوره کارشناسی ارشد گرایش مدیریت آموزشی در اکثریت دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. کتاب بر مبانی نظری نظارت و راهنمایی آموزشی همچون مفهوم، نظریه‌های حوزه نظارت و راهنمایی با تأکید بر سیر تحولی آن، روش‌های نظارت و راهنمایی آموزشی و عوامل مؤثر بر اثربخشی فرایند نظارت و راهنمایی آموزشی بحث می‌کند. به‌طور کلی چند فصل کتاب

بر مفهوم‌شناسی نظارت و راهنمایی آموزشی تأکید می‌کند، اما همان‌گونه که ذکر شد، کتاب ترجمه شده است و بیش‌تر جنبه نظری دارد و کم‌تر بر جنبه‌های کاربردی درس نظارت و راهنمایی آموزشی اشاره می‌کند. «کتاب نظارت و راهنمایی آموزشی در مدارس امروز» ترجمه دکتر غلامرضا احمدی و سعیده شعبانی مربوط به انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان یک‌بار در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده‌است. در این کتاب مفهوم نظارت و راهنمایی آموزشی بیش‌تر متمرکز بر کمک به معلمان در فرایند تربیت و دارای فصول کمک به معلمان برای طراحی آموزشی، کمک به معلمان در فرایند یاددهی - یادگیری، کمک به معلمان در فرایند ارزشیابی، کمک به معلمان در اداره کلاس است. بنابراین این کتاب بر جنبه‌های کاربردی نظارت و راهنمایی آموزشی در کلاس درس بیش‌تر تأکید می‌کند. منبع دیگر کتاب «نظارت و راهنمایی آموزشی در مدارس امروز راهنمایی عملی برای راهنمایان، مدیران و معلمان مدارس» به وسیله دکتر علی حسن‌زاده فروغی تدوین شده‌است. از نظر ساختار بسیار نزدیک به کتاب احمدی و شهابی است.

نظارت و راهنمایی آموزشی بر اساس نگرش سیستمی مفهومی گسترده و چند وجهی است. ناظران آموزشی شامل طیف گسترده‌ای از افرادی است که در جریان تربیت نقش‌آفرینی می‌کنند. ناظران آموزشی ممکن است از مدیران آموزشی در سطوح عالی، میانی و عملیاتی و اولیا و دانش‌آموزان به شمار می‌آیند. از سوی دیگر طبق تعاریف هر آنچه که به بهبود و رشد تربیت مربوط باشد در حوزه مفهومی نظارت و راهنمایی آموزشی است. بنابراین علوم مختلفی همچون ریاضیات، آمار، کامپیوتر، هوش مصنوعی، روانشناسی یادگیری، روانشناسی محیط، روانشناسی سلامت، معماری، بهداشت مدارس، بهداشت محیط و ... در ارتقاء و بهبود کیفیت یادگیری و ارتقای حس خوب یادگیری سهیم هستند. بنابراین محتوای کتاب باید بر اساس رویکرد میان‌رشته‌ای و مدیریت دانش طراحی شود. در این راستا فصول زیر پیشنهاد می‌شود:

فصل اول: مفهوم‌شناسی نظارت و راهنمایی آموزشی در سطح کلان و خرد؛ بررسی نظارت آموزشی در سطح کلان حرکت به سمت عدم تمرکز در آموزش و پرورش و خصوصی‌سازی مدارس؛ مدرسه‌محوری و خصوصی‌سازی آموزش و پرورش.

فصل دوم: انواع معلمان دشوار و راهبردهای اصلاح رفتار.

فصل سوم: کمک به معلمان در طراحی آموزشی؛ ارائه انواع طرح درس بر اساس الگوهای طراحی آموزشی، معرفی نرم‌افزارهای مربوط به ارائه نقشه‌های مفهومی مانند mind x.

فصل چهارم: کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی؛ معرفی نرم‌افزارهای مورد استفاده در علوم تربیتی همانند، شیوه‌های جست‌جو در اینترنت.

فصل پنجم: کاربرد رباتیک در آموزش، آموزش رباتیک و کاربرد آن در برنامه درسی کتب درسی آموزش و پرورش.

فصل ششم: شیوه‌های تدریس مبتنی بر رویکرد رفتارگرایی، شناخت گرایی و ساختارگرایی با تأکید بر نمونه‌های کاربردی

فصل پنجم: شیوه‌ها و مدل‌های نظارت و راهنمایی آموزشی با تأکید بر نمونه‌های کاربردی اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی در آموزش و پرورش.

فصل ششم: شاداب‌سازی مدرسه با توجه به کاربرد روانشناسی محیط، معماری، بهداشت مدارس، حقوق کودک، روانشناسی یادگیری و

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بحث شد، برنامه‌ی درسی علوم انسانی در دانشگاه‌ها بیش‌تر به صورت نظری و تئوریک ارائه می‌شود و کم‌تر جنبه‌ی کاربردی دارد. توجه به کاربرد مطالعات بین‌رشته‌ای در برنامه‌ی درسی علوم انسانی ممکن است که به کاربردی شدن علوم انسانی منجر نشود. بنابراین پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ی درسی علوم انسانی در دانشگاه بر اساس رویکرد مدیریت دانش طراحی شود. در این راستا ابتدا مبانی نظری درس مورد نظر تبیین شود. سپس مثال‌های کاربردی از سوی دانشجویان ارائه، ارزیابی، نقد و اصلاح شوند. در نهایت تجارب و فعالیت‌های دانشجویان به منظور مستندسازی تجارب و تداوم یادگیری در سامانه‌ی الکترونیکی ثبت شوند. البته توجه به پیش‌بایست‌های اجرای این فناوری نیز باید مورد توجه صاحب‌نظران و مسئولان حوزه‌ی برنامه‌ریزی آموزشی و درسی نیز باشد، زیرا عوامل مهمی همچون فرهنگ یادگیری سازمانی در میان اساتید و دانشجویان، امکانات فناوری اطلاعات و ارتباطات، توانمندسازی علمی اعضای هیأت علمی با رویکرد مطالعات بین‌رشته‌ای، توسعه‌ی نگرش سیستمی اساتید و دانشجویان به موضوع علوم انسانی و پرهیز از تفکیک‌سازی گرایش‌ها، فرهنگ تیمی و ... بر کاربردی شدن علوم انسانی تأثیرگذار است.

منابع

۱. باقری، شیرین؛ سلاجقه، سنجر (۱۳۸۹). *از مدیریت داده تا مدیریت دانش*، عصر مدیریت، سال ۱۴، شماره ۱۴ صص ۸۱-۷۶.
۲. رومزی، هدا (۱۳۹۳). *مدیریت دانش سرمایه پنهان*، انتشارات علوم و فنون پزشکی اهواز: اهواز.
۳. قاسمی، علی‌اصغر؛ امامی‌مبیدی، راضیه (۱۳۹۴). نقش و جایگاه مطالعات بین‌رشته‌ای در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور، فصلنامه‌ی مطالعات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هفتم، شماره ۴ صص ۱۹-۱.
۴. مهرعلیزاده، یدالله؛ عبدی، محمدرضا (۱۳۸۸). *نظام مدیریت دانش تجربه سازمان امور مالیاتی کشور*، انتشارات دانشگاه شهید چمران: اهواز.
5. Probst G., Raub ., S ., Romhardt , K (2001) *Managing knowledge – Bilding blocks for success* Willey: chichester.



Making Applied Curriculum Human Science in University Based on Knowledge Management

FaranakOmidian¹

Assistant Professor, Department of Education, Dezful Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran.

Human science is known as vital factor for development of contemporary societies. Paradigm shift of non-applied human science has much many effects on human science curriculum in Iranian higher education. Curriculum base on modernism and realism is not able to response contemporary knowledge needs. Although it has been concern for present era and contributors have made much efforts to form interdisciplinary human science, researches demonstrated it would be achieved just when it is applicable. Therefore, knowledge management has been considered as a strategy to make applied curriculum in university. Two course of teaching methods and educational supervision are presented based on knowledge management.

Keywords: Curriculum, Human Science, Knowledge Management.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ E-mail: omidian.2013@gmail.com